



وجهیت، نمود و نفی در فارس

دکتر آریتا حجت‌الله طالقانی از دانشگاه تورنتوی کانادا (۲۰۰۸) انتشارات جان بنجامینز، ۱۸۳ صفحه

علیرضا فیروزی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به معرفی کتاب وجهیت، نمود و نفی در فارسی نوشته دکتر آریتا حجت‌الله طالقانی از دانشگاه تورنتوی کانادا می‌پردازد. این کتاب ۱۸۳ صفحه‌ای، مشتمل بر هفت فصل است و در سال ۲۰۰۸ توسط انتشارات جان بنجامینز به چاپ رسیده است. کتاب با بررسی سه مقوله وجهیت، نمود و نفی و با تمرکز بر روی زبان فارسی قصد کمک به حوزه زبان‌شناسی نظری و مطالعه زبان‌های ایران را دارد. چهارچوب نظری این کتاب برنامه کمینه‌گرایی چامسکی است و در آن انطباق بین ساخت نحوی و خوانش معنایی مورد کاوش و کنکاش قرار می‌گیرد. در این کتاب نشان داده می‌شود که رفتار افعال وجهی (وجهی‌ها)^۱ در فارسی یکسان است، چه به صورت معرفتی^۲ و چه به صورت ریشه‌ای^۳ مورد خوانش و تعبیر قرار گیرند. به دلیل عدم وجود ساخت ارتقای فاعلی^۴ در زبان فارسی، افعال وجهی این زبان رفتاری متفاوت را نسبت به افعال وجهی دیگر زبان‌ها از خود نشان می‌دهند. همچنین تعامل افعال وجهی و مقوله نفی در فارسی نشانگر این موضوع است که ساخت نحوی افعال وجهی در رابطه با مقوله نفی، بیشتر با خوانش معنایی این افعال تطابق دارد.

کلیدواژه‌ها: برنامه کمینه‌گرا، ساخت نحوی، فعل وجهی، خوانش معرفتی، خوانش ریشه‌ای

1. modals
2. epistemic
3. root
4. subject raising construction

✉ didaxism@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۶

مقدمه

فصل اول، مقدمه، با توضیح هدف نگارش کتاب آغاز می‌شود. هدف کلی کتاب، بررسی نظام فعلی فارسی با تمرکز بر روی مقولاتی همچون وجهیت، زمان، نمود و نفی می‌باشد. پرسش اصلی که در این کتاب بدان پاسخ داده می‌شود اینست که «آیا ساختار صرفی - نحوی وجهی‌ها در انطباق با خوانش و یا تعبیر معرفتی و شناختی آنها قرار دارد یا خیر؟»

گونه مورد بررسی در این کتاب، فارسی محاوره‌ای تهرانی است. در این فصل، ساخت گروه در فارسی به عنوان زبانی با ساخت متعارف، فاعل - مفعول - فعل (SOV) معرفی می‌شود. با این وجود، مواردی در فارسی مشاهده شده است که مفعول به دنبال فعل می‌آید و نه قبل از آن. به مثال زیر توجه فرمایید (شماره مثال در کتاب در سمت چپ آورده شده است):

۱. سارا پخته این کیک رو برای تولد ساسان
 [2. b.] کین^۱ (۱۹۹۴: ۶) معتقد است که بر طبق اصل توالی خطی^۲ ترتیب جهانی کلمات مشخصگر - هسته - متمم^۳ می‌باشد و دیگر ترتیب‌ها مشتق از این ترتیب اصلی می‌باشند. پس ترتیب SOV فارسی مشتق و برگرفته از ترتیب پیش‌فرض SVO است.

در رابطه با ساخت مجهول، طالقانی به نظرات دبیر مقدم (۱۹۸۵)، حاجتی (۱۹۷۷) و سهیلی اصفهانی (۱۹۷۶) اشاره می‌کند که بیان می‌دارند فارسی به مانند انگلیسی دارای مجهول ساختاری است و در سوی دیگر، به نظرات مین^۴ (۱۹۷۴)، کریمی (۱۹۸۹، ۲۰۰۵) و قمشی (۱۹۹۷، ۲۰۰۱) می‌پردازد که می‌گویند در فارسی نوین، ساخت مجهول وجود ندارد.

در رابطه با ساخت ارتقا، طالقانی متذکر می‌شود که ویژگی اصلی این ساخت‌ها این است که محمول بیرونی^۵ ندارند و فاعل روساختی، ریشه در بند لانه‌گیری شده^۶ دارد. در رابطه با این ساخت نیز اشاره به مباحثی می‌شود که صاحب‌نظران ارائه کرده‌اند. هاشمی‌پور (۱۹۸۹)، کریمی (۱۹۹۹، ۲۰۰۵) و قمشی (۲۰۰۱) معتقدند که در فارسی ساخت ارتقا وجود ندارد اما درزی (۱۹۹۶) با ارائه مثال‌های زیر، صحنه بر وجود این ساخت در فارسی می‌گذارد:

[10. a.] ۲. (این) لازم است که علی کتاب را به او بدهد

[10. b.] ۳. * (این) علی (*این) لازم است که کتاب را به او بدهد

-
1. Kayne
 2. linear correspondence axiom
 3. specifier-head-complement
 4. Moyne
 5. external argument
 6. embedded clause

نبود ساخت ارتقای فاعل به طرح این سؤال می‌انجامد که «آیا جایگاه فاعل با یک عنصر حشو (پوچواژه^۱) پر می‌شود یا خیر؟» درزی با مثال‌های فوق نشان داد که کلمه این یک پوچواژه است. ریتزی (۱۹۸۲، ۱۹۸۶a) خاطر نشان می‌کند که زبان‌هایی که اجازه عدم حضور فاعل را می‌دهند، پوچواژه آشکار ندارند. در قسمت پایانی فصل اول، مثال‌ها و تعاملات بین مقولات وجهیت، زمان، نمود و نفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و اشاره‌ای نیز به چهارچوب نظری کتاب می‌شود که برنامه کمینه‌گرا و به‌طور خاص نظریه فازی چامسکی است.

فصل دوم کتاب از دریچه‌ای صرفی- نحوی و معنایی به دو مقوله وجه و وجهیت در زبان فارسی می‌پردازد. در این فصل چگونگی عملکرد صرفی- نحوی و معنایی وجهی‌ها در فارسی مورد کاوش قرار داده می‌شود. طالقانی از لحاظ صرفی- نحوی وجهی‌ها را در دو دسته اصلی زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

(۱) افعال وجهی

(۲) قیده‌های وجهی

خود افعال وجهی نیز در دو زیرطبقه قابل دسته‌بندی هستند:

(۱) افعال وجهی کمکی باید شاید تونستن

(۲) افعال وجهی مرکب

از لحاظ معناشناختی، وجهی‌ها به دو شکل ریشه‌ای و معرفتی مورد خوانش قرار می‌گیرند. وجهی‌های معرفتی گوینده - محور هستند و با صدق و کذب گزاره ارتباط پیدا می‌کنند. این گونه از وجهی‌ها امکان احتمال و قطعیت را نشان می‌دهند. پالمر (۲۰۰۱: ۸) وجهی‌های ریشه‌ای را وجهی‌های رویدادی^۲ خوانده و در دو دسته طبقه‌بندی کرده است:

(۱) تصمیمی^۳

(۲) پویا^۴

در نوع تصمیمی، قید و بندی از خارج بر فرد اعمال می‌شود و در گونه پویا این قید و شرط از درون بر فرد وارد می‌شود. این دو گونه در مثال‌های زیر به وضوح به نمایش درآمده‌اند:

- [20. a.] ۱. آگه می‌خوای به پرواز برسی، باید بری (ریشه‌ای، تصمیمی، اجبار)
- [20. b.] ۲. جان باید مریض باشه (معرفتی، الزام)
- [20. c.] ۳. همه می‌تونن با لباس خودمونی بیان (ریشه‌ای، تصمیمی، اجازه)
- [20. d.] ۴. جین می‌تونه استپ برقصه (ریشه‌ای، پویا، توانایی)
- [20. e.] ۵. امکان داره جان تو این اتاق بوده باشه (معرفتی، امکان)

1. expletive
2. eventive modals
3. deontic
4. dynamic

در جدول زیر، تقسیم‌بندی کاملی از افعال وجهی (وجهی‌های) فارسی ارائه شده است:

جدول ۱: افعال وجهی فارسی (برگرفته از نمودار شماره ۵۰ کتاب: ص ۲۸)

ریشه‌ای				معرفتی	
تصمیمی		پویا		امکان	الزام
اجبار	اجازه	توانایی	نیاز	شاید	باید
باید	اجازه داشتن	تونستن	احتیاج داشتن	احتمال داشتن	حتما
مجبور بودن	تونستن		مجبور بودن	ممکن بودن	مطمئنا
مجبور			لازم بودن	امکان داشتن	
شدن				احتمالا	
مطابقه کامل				مطابقه ناقص	

در قسمت بعد تعامل دو مقوله وجه و وجهیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت نشان داده می‌شود که وجهی‌های ریشه‌ای با متمم‌های شرطی (التزامی) زمان حال و وجهی‌های معرفتی با متمم‌های شرطی (التزامی) زمان حال و زمان کامل سازگاری دارند. همین طور نشان داده شد که در زبان فارسی، انتخاب وجه در بند اصلی کاملاً مشروط به شرایط دستوری است.

در قسمت بعد به ساخت رویداد پرداخته می‌شود و نشان داده می‌شود که وجهی‌های ریشه‌ای با متمم‌های رویدادی و وجهی‌های معرفتی با متمم‌های رویدادی و متمم‌های حالتی سازگاری دارند. سپس همین موضوع در مورد وجهی‌های مرکب فارسی از نظر گذرانده می‌شود.

در جدول زیر ساخت رویداد در وجهی‌های مرکب فارسی به نمایش درآمده است:

جدول ۲: ساخت رویدادی وجهی‌های مرکب فارسی (برگرفته از جدول شماره ۸۳ کتاب: ص ۴۰)

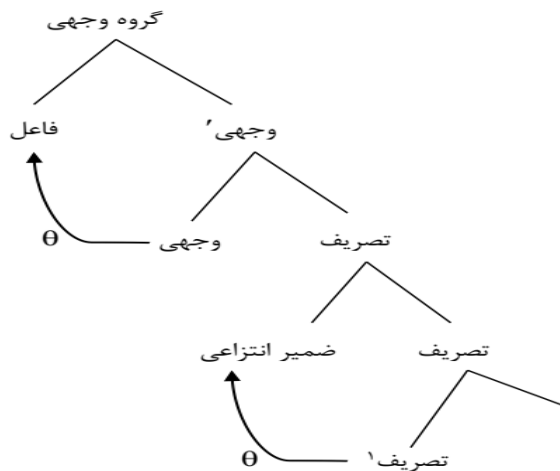
بی‌هدف (بی‌پایان)	هدف‌مند (پایان‌دار)	محمول‌های مرکب فارسی
✓	✗	مجبور بودن
✗	✓	مجبور شدن
✓	✗	احتیاج داشتن
✓	✗	اجازه داشتن
✓	✗	لازم بودن
✓	✗	ممکن بودن
✓	✗	احتمال/امکان داشتن

فصل سوم این کتاب به نمایش نحوی افعال وجهی فارسی می‌پردازد. ابتدا در مقدمه به مباحث و نظرات صاحب‌نظران این زمینه پرداخته می‌شود. راس^۱ (۱۹۶۹) معتقد است که وجهی‌های ریشه‌ای، گذرا^۲ هستند (دو نقش معنایی اعطا می‌کنند) در حالی که وجهی‌های معرفتی ناگذر^۳ (تنها یک نقش معنایی اعطا می‌کنند). رابرتس^۴ (۱۹۸۵) به پیروی از نظر زوبیزارتا^۵ (۱۹۸۲) معتقد است که وجهی‌های معرفتی نقش معنایی به فاعل نمی‌دهند اما وجهی‌های تصمیمی یک نقش معنایی افزوده^۶ به فاعل روساختی اعطا می‌کند. ویکنر (۱۹۸۸) پیشنهاد می‌کند که وجهی‌های ریشه‌ای در زبان دانمارکی، تنها وجهی‌هایی هستند که به فاعل نقش معنایی می‌دهند. درویگ (۲۰۰۱) اذعان می‌دارد که وجهی‌های معرفتی، ساخت‌های ارتقا هستند و وجهی‌های ریشه‌ای نمونه‌ای از ساخت‌های نظارت می‌باشند. آبراهام (۲۰۰۲: ۳۳) معتقد است که افعال وجهی در زبان‌های آلمانی و هلندی و نه در زبان انگلیسی مانند افعال گذرا عمل می‌کنند. به نظر وی دو ساز و کار زیر را برای ترکیب افعال وجهی با افعال اصلی در نظر می‌گیرد:

(۱) ارتقا برای وجهی‌های معرفتی

(۲) نظارت برای وجهی‌های تصمیمی

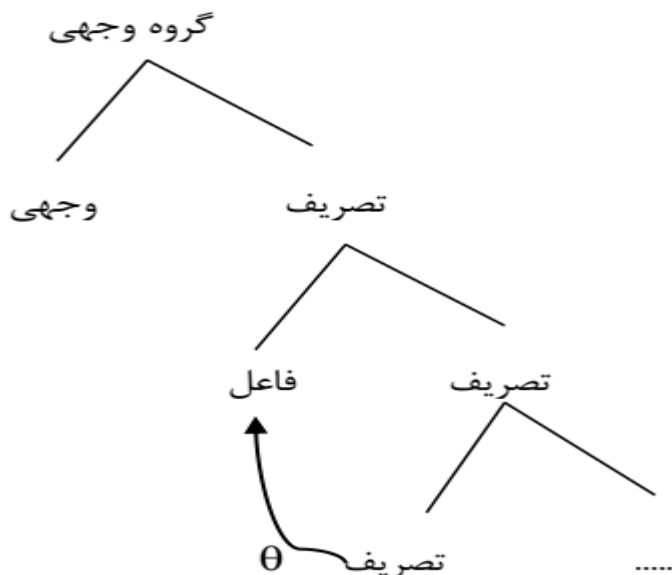
ورم‌برند^۷ (۱۹۹۹)، همراهی با راس (۱۹۶۹) و رابرتس (۱۹۸۵)، پیشنهاد می‌دهد که افعال وجهی ریشه‌ای به کمک نمودار زیر (برگرفته از ص ۵۲ طالقانی) به نمایش در می‌آیند (ورم‌برند، ۱۹۹۹: ۶۰۰).



نمودار ۱: نمایش نحوی افعال وجهی ریشه‌ای

1. Ross
2. transitive
3. intransitive
4. Roberts
5. Zubizarreta
6. adjunct
7. Wurmbrand

اما نمایش نحوی افعال وجهی معرفتی به شکل نمودار ذیل (برگرفته از ص ۵۲ طالقانی) می‌باشد (ورم‌برند، ۱۹۹۹: ۶۰۰).



نمودار ۲: نمایش نحوی افعال وجهی معرفتی

سپس نگارنده نشان می‌دهد که افعال وجهی ریشه‌ای در فارسی، به‌طور کامل متعلق به ساخت‌های نظارت بوده و حالت نحوی و نقش معنایی فاعل روساختی را تعیین می‌نمایند. در این میان به رفتار جالب توجه فعل وجهی لازم بودن نیز اشاره می‌شود. از یک سو، این فعل در رابطه با نقش معنایی فاعل، محدودیت‌گزینشی اعمال می‌کند و از سوئی دیگر، همانند افعال وجهی معرفتی، فعلی ناقص (دارای مطابقه ناقص) به حساب می‌آید و جایگاه اصلی و اولیه فعل اصلی در بند پایین‌تر قرار دارد. می‌توان گفت که فعل لازم بودن همانند ساخت‌های شبه ارتقا عمل می‌کند. در ساخت‌های شبه ارتقا، افعال وجهی یا ناقص هستند و حالت و نقش معنایی نیز به فاعل اعطا نمی‌کنند، بلکه فعل بند پایین‌تر است که به فاعل نقش معنایی و حالت نحوی می‌دهد.

در قسمت بعد، به روابط نظارتی در افعال وجهی ریشه‌ای پرداخته می‌شود. ورم‌برند (۱۹۹۸: ۱۵۰) ساخت‌های نظارتی را در دو دسته زیر طبقه‌بندی می‌کند:

(۱) نظارت نحوی به مصدرهایی اشاره دارد که فاعلشان ضمیر انتزاعی است.

(۲) نظارت معنایی به مصدرهایی مربوط می‌شود که نظارتی باشند و دارای فاعلی که در بند پایین‌تر لانه‌گیری کرده، نباشند.

قمشی (۲۰۰۱: ۲۵-۲۸) به پیروی از ورم‌برند (۱۹۹۸) ساخت‌های نظارتی فارسی را نمونه‌ای از فرایند نحوی بازسازی^۱ می‌داند زیرا متمم برخی از سازه‌های نظارتی، گروه متمم نیست و گروه فعلی می‌باشد. در ادامه نگارنده با معرفی آثار روزن‌باوم^۲ (۱۹۶۷)، بریم^۳ (۱۹۷۶)، ویلیامز^۴ (۱۹۸۰)، هورن‌اشتاین^۵ (۱۹۹۹)، لاندو^۶ (۲۰۰۰) و کولیکاور و جکندوف^۷ (۲۰۰۱) به تفصیل به طرح و شرح ساخت‌های نظارت می‌پردازد و نتیجه آن می‌شود که در نظارت، عمدتاً ساخت معنایی محمول اصلی است و نقش تعیین‌کننده را در انتخاب ناظر بازی می‌کند. به عبارتی دیگر، تحلیل واژی-معنایی محمول‌های نظارتی، ناظر را تعیین می‌کند.

سپس به بافت‌های بازسازی مطروحه از جانب ورم‌برند (۱۹۹۸) پرداخته می‌شود، چون ورم‌برند ساخت‌های دارای نظارت معنایی را نمونه‌ای از بازسازی می‌داند. نکته اصلی طرح ورم‌برند وجود نظارت معنایی است که طالقانی از آن در تحلیل فارسی استفاده کرده و ادعا نموده است که این نوع نظارت در فارسی وجود دارد. در قسمت مربوط به بازسازی، بین دو نوع بازسازی زیر تمایز گذارده می‌شود:

بازسازی نقشی: نقش معنایی به موضوعات نمی‌دهد. نظم و ترتیب ثابت است و محدودیت باهم‌آیی وجود دارد.

بازسازی واژگانی: روابط معنایی بین موضوعات برقرار می‌کند. ترتیب و محدودیت نحوی خاصی وجود ندارد.

در قسمت بعد به خصیصه‌های افعال بازسازی پرداخته می‌شود که به شرح زیر می‌باشند:

(۱) گستره نفی و انسجام نامشخص

(۲) پیشایندسازی متمم فعلی

(۳) قلب درون‌بندی که منجر به ترتیب آمیخته موضوعات می‌شود.

(۴) حرکت بلند مفعول

در پایان قسمت مربوط به بازسازی با مورد تحلیل قراردادن داده‌های مربوط به بازسازی، این نتیجه حاصل می‌شود که تمامی افعال وجهی فارسی، دارای نظارت نحوی نیستند. در میان این افعال، مجبور شدن، اجازه داشتن، احتیاج داشتن، تونستن، لازم بودن و مجبور بودن افعال دارای نظارت معنایی هستند. طبقات مختلف افعال بازسازی، زبان-ویژه است بدین معنی که از زبانی به زبان دیگر فرق می‌کنند. به عنوان مثال، افعال نظارت معنایی در زبان آلمانی ساخت‌های بازسازی را پدید می‌آورند اما این مسئله در مورد زبان فارسی صادق نیست.

-
1. restructuring
 2. Rosenbaum
 3. Brame
 4. Williams
 5. Hornstein
 6. Landau
 7. Culicover & Jackendoff

نگارنده در قسمت بعد به جایگاه ساختاری افعال وجهی فارسی می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که رابطه یک به یک بین جایگاه ساختاری و خوانش‌های ریشه‌ای و معرفتی افعال وجهی در فارسی وجود ندارد. در حقیقت، یکسانی جایگاه نحوی وجهی‌های مرکب، نشانگر این موضوع است که ساخت نحوی وجهی‌ها در تطابق و انطباق با خوانش‌ها و تعبیر ریشه‌ای و معرفتی آنها قرار ندارد. این موضوع به وضوح در جدول زیر به نمایش درآمده است:

جدول ۳: ارتباط بین جایگاه نحوی و خوانش ریشه‌ای و معرفتی وجهی‌ها در فارسی
(برگرفته از جدول شماره ۹۳ کتاب: ۱۰۴)

وجهی	قید	فعل کمکی	محمول مرکب	معرفتی	ریشه‌ای	ارتقایی	نظارت معنایی	نظارت نحوی
باید	-	+	-	+	+	+	-	-
شاید	-	+	-	+	-	+	-	-
تونستن (توانایی)	-	+	-	+	+	-	+	-
تونستن (اجازه داشتن)	-	+	-	-	+	-	-	+
مجبور بودن	-	-	+	-	+	-	+	-
لازم بودن	-	-	+	-	+	-	+	+
ممکن بودن	-	-	+	+	-	+	-	-
اجازه داشتن	-	-	+	-	+	-	-	+
احتمال داشتن	-	-	+	+	-	+	-	-
احتیاج داشتن	-	-	+	-	+	-	-	+
امکان داشتن	-	-	+	+	-	+	-	-
احتمالا	+	-	-	+	-	-	-	-
مطمئنا	+	-	-	+	-	-	-	-
حتما	+	-	-	+	-	-	-	-

در پایان این فصل نتیجه‌گیری می‌شود که در فارسی بین تعبیر و خوانش ریشه‌ای و معرفتی افعال وجهی تفاوت و تمایزی وجود ندارد. با این اوصاف، در بسیاری از زبان‌های جایگاه نحوی و ساختاری فعل وجهی در ارتباط با مقوله نفی، در انطباق و تطابق با خوانش «معرفتی» در برابر خوانش «ریشه‌ای» و «لزوم» در برابر «امکان» قرار دارد.

منابع

- کالنتری، راحله (۱۳۹۱)، «مروری بر کتاب وجهیت، نمود و نفی در فارسی»، دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، ش ۸: ۲۸۹-۲۹۹.
- Abraham, Werner (2002), “Modal verbs: Epistemics in German and English”, In *Modality and its Interaction with the Verbal System*, Sjeff Barbiers, Frits Beukema & Wim van der Wurff (eds), 19–50, Amsterdam Philadelphia: John Benjamins;
- Brame, Michael (1976), *Conjectures and Refutations in Syntax and Semantics*, Amsterdam: North Holland;
- Culicover, Peter W. & Ray Jackendoff (2001), “Control is not movement”, In *Linguistics Inquiry* 32(3): 493–512;
- Dabir-Moghaddam, Mohammad (1985), *Syntax and Semantics of Causative Construction in Persian*, Ph.D. dissertation, University of Illinois, Urbana Champaign;
- Darzi, Ali (1996), *Word Order, NP-Movement, and Opacity Conditions in Persian*, Ph.D. dissertation, University of Illinois, Urbana Champaign;
- Drubig, Hans Bernhard (2001), *On the Syntactic form of Epistemic Modality*, Ms, University of Tübingen;
- Ghomeshi, Jila (1997), *Projection and Inflection: A study of Persian Structure*, Ph.D. dissertation, University of Toronto;
- Ghomeshi, Jila (2001), “Control and thematic agreement”, In *Canadian Journal in Linguistics* 46(1-2): 9-40;
- Hajati, Ali (1977), *Ke-Construction in Persian: Descriptive and Theoretical Aspects*. Ph.D. dissertation, University of Illinois, Urbana Champaign;
- Hashimipour, Margaret (1989), *Pronominalization and Control in Persian*, Ph.D. dissertation, University of California, San Diego.
- Hornstein, Norbert (1999), “Movement and control”, In *Linguistics Inquiry* 30(1): 69–96;
- Karimi, Simin (1989), *Aspects of Persian Syntax, Specificity, and the Theory of Grammar*. Ph.D. dissertation, University of Washington, Seattle;
- Karimi, Simin (1999), “Specificity effect: Evidence from Persian”, In *Linguistic Review* 16(2): 125-141;
- Karimi, Simin (2005), *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kayne, Richard (1994), *The Antisymmetry of Syntax*, Cambridge MA: The MIT Press.
- Landau, Idan (2000), *Elements of Control*, Ph.D. dissertation, MIT.

-
- Moyne, John Abel (1974), *The Structure of Verbal Constructions in Persian*. Ph.D. dissertation, Harvard University.
 - Palmer, Frank Robert (2001), *Mood and Modality*, New York NY: CUP.
 - Rizzi, Luigi (1982), *Issues in Italian Syntax*, Dordrecht: Foris.
 - Rizzi, Luigi (1986a), "Null objects in Italian and the Theory of pro", In *Linguistics Inquiry* 17: 501-557.
 - Roberts, Ian (1985), "Agreement parameters and the development of English modal auxiliaries", In *Natural Language and Linguistic Theory* 3: 21-58.
 - Rosenbaum, Peter S. (1967), *The Grammar of English Predicate Complement Constructions*, Cambridge MA: The MIT Press.
 - Ross, John Robert (1969), "Auxiliaries as main verbs", In W.Todd (eds.), *Studies in Philosophical Linguistics, Series One*, W.Todd (eds), 77-102, Evanston IL: Great Expectations Press.
 - Soheili Isfahani, Abolghasem (1976), *Noun Phrase Complementation in Persian*, Ph.D. dissertation, University of Illinois, Urbana Champaign.
 - Vikner, Sten (1988), "Modals in Danish and event expression", In *Working Papers in Scandinavian Syntax* 39: 1-33.
 - Williams, Edwin (1980), "Predication", In *Linguistics Inquiry* 1: 203-238.
 - Wurmbrand, Susi (1998), *Infinitives*, Ph.D. dissertation, Cambridge MA: MIT.
 - Wurmbrand, Susi (1999), "Modal verbs must be raising verbs", In *WCCFL 18 Proceedings*, Sonya Bird, Andrew Carnie, Jason Haugen & Peter Norquest (eds.), 599-612. Somerville MA: Cascadilla press.
 - Zubizarreta, Maria Luisa (1982), *On the Relationship of the Lexicon to Syntax*, Ph.D. dissertation, Cambridge MA: MIT.